

فهرست

سرخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آققلعه ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ.سی. اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حثوثی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ۸۰

چهارپاره / علی صفری آققلعه ۸۱-۹۴

طاق گز؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ۹۵-۹۶

نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهرس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبادیان ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی‌ضحی ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ۱۸۷-۱۹۰

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۹۱-۱۹۸

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ۱۹۹-۲۰۱

درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان

جواد ده‌دانه‌جانی

مربی و عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان
j.dadejani@uok.ac.ir

از دحامی از سوار و جمعیت به دیدار حاکم شتافت. ظاهراً این طرز استقبال فرهادمیرزا را خوش نیامد و بهانه‌ای شد تا سلطان حسن را به ترفندی در قهوه‌خانه قریه بیلک دستگیر و هلاک کند و برادران او را نیز به زنجیر کشد. این واقعه در پیش سواران اورامی جلوه کرد و به فرار و هزیمت آنها انجامید، همچنین تا اندازه زیادی در ایجاد و حفظ امنیت منطقه مؤثر واقع شد (نک). وقایع نگار کردستانی، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۲؛ فخرالکتاب سندجی، ۱۳۷۹: ۲۸۱-۲۸۴؛ مردوخ کردستانی، ۱۳۷۵: ۱۸۶/۱-۱۸۷). سنگ کتیبه رودخانه قشلاق و امامزاده پیر عمر، که یکی در جمادی الاول و دیگری در رجب ۱۲۸۵ ق به رشته تحریر درآمده است، گزارشی نسبتاً مشابه از این اتفاق را با ماده تاریخ‌های «غرفه» و «جمال تاریخ» بیان می‌کند.

طایفه اورامی به امید آزادی مصطفی بیک و بهرام بیک، برادران سلطان حسن اورامی، تا یک سال با حاکم مماشات می‌کنند و سر اطاعت فرومی‌آورند و پیشکش می‌برند؛ اما بعدتر در مقام تلافی برمی‌آیند و بازدید مجدد فرهادمیرزا از قلعه شاه‌آباد مریوان، در اواخر محرم ۱۲۸۶ ق، فرصت انتقام اورامی‌ها از او را فراهم می‌کند. این قلعه که از چندی پیشتر رو به خرابی نهاده بود به همت محمدباقر خان، نواده محمدحسین خان صدر اصفهانی، در دست تعمیر بود و بازدید فرهادمیرزا از قلعه نیز از همین بابت بود؛ لذا هنگام عزیمت محافظان و همراهان چندانی نداشت. فرهادمیرزا معتمدالدوله هر طور بود از حمله اورامی‌ها به قلعه شاه‌آباد جان سالم به در برد و از مهلکه جست. او چندی بعد سپاهیان خود را با پشتیبانی قشون دولتی، از دو سو - یکی از راه شامیان و اورامان تخت و دیگر از راه جوانرود - به جنگ اورامی‌ها فرستاد و بعد از قریب دو ماه به پیروزی رسید (نک). وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۴۸؛ فخرالکتاب سندجی، ۱۳۷۹: ۲۸۵-۳۰۰؛ مردوخ کردستانی، ۱۳۵۳: ۱۸۸-۱۹۳). در کتیبه مسجد دارالاحسان سندج شرحی از این واقعه آمده است و در کتیبه قلعه شاه‌آباد، ضمن اشاره‌ای کوتاه به این حوادث، مراتب تعمیر و تجدید بنای قلعه مذکور تا سال ۱۲۸۹ ق بیان شده است. در متن هر دو کتیبه اخیر ابیاتی مشابه با ماده تاریخ «غفور» آمده است. بیت آخر این قطعه منظوم مشابهی از شعر فرهادمیرزا معتمدالدوله است که به مناسبت گرفتاری و هلاکت سلطان

در اوراق پایانی نسخه شماره ۱۰۷۴ کتابخانه مجلس، متن پنج کتیبه از دوران حکمرانی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان (۱۲۸۴-۱۲۸۹ ق) ثبت شده است. این نسخه شامل دو رساله «اختیارات ایام فرس» و «ضعف و قوای کواکب» است و متن مذکور با خطی متفاوت در هشت صفحه پایانی آن کتابت شده است. این بخش از نسخه نام و عنوان مشخصی بر خود ندارد و تاریخ دقیق کتابت آن روشن نیست؛ با این حال در فهرست کتابخانه با عنوان «پنج ثبت (کتیبه)» (دانش‌پژوه و علمی انواری، ۱۳۹۰: ۴۸۵-۴۸۶) معرفی شده است. احتمالاً این رساله کوتاه از روی اصل کتیبه‌ها نسخه‌برداری شده است.

مطابق این رساله، کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا در کنار رودخانه قشلاق، امامزاده پیر عمر، مسجد دارالاحسان، و قلعه ملکه شاه‌آباد مریوان نصب و تمامی بر سنگ نقش بوده است. موضوع آنها نیز عمدتاً شرح وقایع مهم تاریخی و اقدامات اصلاحی فرهادمیرزا در کردستان بوده است. این وقایع به‌طور مبسوط در متون تاریخی محلی، از جمله حدیقه ناصریه و تحفه ناصری تشریح شده است.

فرهادمیرزا معتمدالدوله پس از فوت غلام‌شاه والی به حکمرانی ولایت کردستان منصوب گردید و در اوایل ذی‌قعدة ۱۲۸۴ ق به آنجا رسید. او پس از ترتیب امور در ذی‌حجه همان سال به سرحدات بلوک مریوان و بازدید از قلعه شاه‌آباد رفت. از شنیدن این خبر سلطان حسن اورامی، از یاغیان منطقه، با

ناصرالدین شاه قاجار - خلدالله ملکه - بر این قرار گرفت که در ولایت کردستان بدعت‌های قدیم موقوف شود که هرکسی بر مال و عیال خود مختار باشد و متمردان از پای در آیند و مخلصان دست به دعا بر آرند. فشر کنانته فعجمها عوداً عوداً، تا قرعة فال به نام نامی نواب اشرف والا، شاهزاده‌الاتبار، عم معظم خسرو نامدار، معتمدالدوله القاهره فرهادمیرزا - دام اقباله - افتاد و از دربار معدلت مدار به این خدمت مأمور گردید، در پنجم ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۸۴ وارد سنندج شد و در اوایل ذی حجه سفر مریوان کرد. در آن حدود حسن سلطان اورامانی با اخوان خود مصطفی بیگ و بهرام بیگ، که سال‌ها در آن کوهستان آب بی لجام خورده و بر مال و جان همسایگان ابقا نمی نمودند، با استعدادی وافر به خدمت شتافت. چون به لوازم چاکری اقدام نکرد به سزای خود گرفتار شد. از فضل الهی در اندک زمانی نظم کامل در این صفحات پیدا شد و سربازخانه محکمی در شهر بنا نهاد و فوج ظفر را آراست، و قطاع الطريق طوایف که سال‌ها عادت در این کار داشتند سر به ربه طاعت در آوردند و تفرق‌های چندساله به اوطان خود برگشتند و این سال «غرفه»^۵ را که غرفه یوان آسایش و «جمال تاریخ»^۶ آرامش است از خصب و ارزانی و راحت و تن آسانی نعم ایام داشته، همگی به دعای وجود شهریار جهان مشغولند و این بنده درگاه محمدباقر بن عبدالحسین خان بن الحاج محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی این وقایع را در این سنگ نقر نمود.

وکان ذلک فی شهر جمادی الاولی ۱۲۸۵

۱۳۷۹

ثبت سنگ پیر عمر به خط محمدباقرخان

بسم الله تعالی شانه العزیز ومن دخله کان آمناً چون به تأییدات حضرت پروردگار بر^۷ رای بیضا ضیای اعلی حضرت شاهنشاه تاجدار شهریار جم اقتدار ناصرالدین شاه قاجار - خلدالله ملکه و سلطانه - به انتظام مهام و لایات کردستان تعلق

۴. حکي عن الحاج: إن أمير المؤمنين نثر کنانته فعجم عيدانها عوداً عوداً (المرزوقی، ۱۴۲۴: ۵۰/۱).
۵. غرفه ۱۲۸۵ (حاشیة متن).
۶. جمال تاریخ ۱۲۸۵ (حاشیة متن).
۷. کذا: ظاهر «بر» زائد است.

حسن اورامی سروده شده است؛^۱ از همین رو ممکن است ایات این کتیبه‌ها نیز از همو باشد و اگر چنین نباشد، بیت مذکور از فرهادمیرزا معتمدالدوله تضمین شده است.

فتح اورامان، که در گزارشی سلسله‌وار از وقایع مربوط در این چهار کتیبه تشریح شده، به اذعان علی اکبر وقایع‌نگار کردستانی، یکی از حقوق سه‌گانه فرهادمیرزا معتمدالدوله بر گردن مردم کردستان بوده است (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). در این رساله متن کتیبه دیگری نیز آمده است که فرمان فرهادمیرزا به رفع قانون در مالانه^۲ از اهالی کردستان است و مطابق ماده تاریخ «بلیل غدیر» در ۱۲۸۶ ق صادر شده است. چون این کتیبه متن فرمان حاکم بوده است نام کاتب ندارد، اما محتمل است مانند سایر کتیبه‌ها به همت محمدباقر خان بن عبدالحسین خان، نواده محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی، نوشته و نصب شده باشد.^۳

ظاهراً از میان این پنج کتیبه تنها یکی از کتیبه‌های مسجد دارالاحسان باقی مانده است و مابقی آنها یا از میان رفته یا در حال حاضر در مکان اصلی خود موجود نیست. متن کتیبه مذکور در شانزده سطر و به قلم ثلث نوشته شده است و اصل و رونوشت آن دقیقاً با یکدیگر مطابقت می‌کند. متن کتیبه‌های فرهادمیرزا معتمدالدوله در این رساله در واقع شرحی مختصر از مهم‌ترین اقدامات او را به ترتیب وقوع در ولایت کردستان ارائه می‌کند و به همین ترتیب نیز در مقاله پیش رو آمده است.

۱۳۷۹

ثبت سنگ کنار رودخانه قشلاق به خط محمدباقرخان

هو الله تعالی چون به تأیید پروردگار جهان و داور زمین و زمان رای اعلی حضرت شاهنشاه ایران و شهریار کیهان

۱. نبود کار چنین صعب نزد اهل خرد/ خدای خواست چنین کار صعب شد آسان؛ فخرالکتاب سنندجی، ۱۳۷۹: ۲۸۴.
۲. در مالانه: خانه‌شمار؛ از قدیم‌الایام در سنندج رسم خانه‌شماری بود؛ به این معنی که هر ساله خانه‌های شهر را شماره می‌کردند و از هر خانه، به تناسب قدرت مالی، وجهی می‌گرفتند؛ فرهادمیرزا به خواهش حاجی ملا محمد، که یکی از اتقیا و صلحای کردستان بود، این وجه را «به تخفیف ابدی برقرار فرمود» (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۵).
۳. او گماشته فرهادمیرزا در مریوان و مسئول تجدید بنای قلعه شاه‌آباد بوده است.

گرفت تا بدعت‌های ناپسند برآفتند و رعایا و برآیا در رفاه حال مختار بر عیال و مال خود باشند، عمّ معظم خود نواب مستطاب اشرف والا ذوالحسب الباهر و النسب الظاهر معتمدالدوله القاهره فرهاد میرزا - دام اجلاله - را به تقدیم این خدمت تکریم و از دربار معدلت مدار به مأموریت تعظیم فرمودند

قَلْبِ الناظرین ظهراً لِبطنِ فرأى ذات فضله فاجتباها^۱
در پنجم ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۸۴ به سنندج وارد و اوایل ذی حجه به محجّه مریوان مُجتاز آمد. حسن سلطان اورامانی با مصطفی بیک و بهرام بیک اخوانش، که مدت‌ها در آن کوهسار و سنگلاخ کاخ عصیان برافراخته قتل و جبال را حصن حصین خود ساخته بودند و دست تعدی و تجاوز بر همسایگان متمدی^۲ می‌داشت، با استعداد زیاد به خدمت شتافت. چون قدم به طریق بندگی نهاد در جزای آن سرداد و برادرانش مغلول آمدند. در اندک زمانی آن صفحات را نظم کامل شامل شد و عشایر جات، که قرن‌ها بر رعایا و سکنه آن صفحات اجحاف داشتند، سر به ربه اطاعت و انقیاد گذاشت و قطاع‌الطریق از هر فریق مخذول و منکوب شدند و تفرق‌های چندساله به میل خاطر به اوطان خود برگشتند و در شهر بنای سربازخانه [ای] محکم را گذاشت و فوج ظفر را به خوبی آراست و این سال «غرفه» که «جمال تاریخ» است مفرداً و مرکباً تاریخ این سال گردید. والحمد لله همگی به دعای دوام دولت ابدایت شاهنشاه دین پناه زبان‌ها گشودند و در امامزاده واجب‌التعظیم پیر عمر این بنده بی‌مقدار این وقایع را در این سنگ نقش نمود و انا العبد محمد باقر بن عبدالحسین خان ابن الحاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، فی شهر رجب ۱۲۸۵.

۳

ثبت سنگ مسجد دارالاحسان

الملک لله تعالی شانه در سنه ۱۲۸۶ که رای اعلی حضرت شاهنشاه ایران ناصرالدین شاه قاجار - خلد الله ملکه - به ساختن

۱. از قصیده‌الازری در وصف پیامبر (بحرانی، ۱۹۹۸: ۳/۳۱۹) که اصلش چنین است: قَلْبِ الخافقین /... احمد فاجتباها (ظاهر و باطن شرق و غرب را زیور کرد، پس احمد را دید و او را برگزید). مصراع اول در متن معنی ندارد. ۲. کذا: ظاهراً به جای «متمادی» به کار برده است.

قلعه مریوان قرار گرفت، حسب الامر نواب شاهزاده معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران کردستان، بنده درگاه را به این خدمت مأمور فرمود. مفسدین اورامان که اتمام قلعه را مایه خرابی دکان خود می‌دیدند بر انهدام آن سعی داشتند. نواب والا با جمعیت قلیل و دو سه دسته سرباز قراول برای سرکشی قلعه روانه شدند. شب بیست و ششم محرم سنه ۱۲۸۶ در منزل انجمن مفسدین اورامی - که از هزار متجاوز بودند - به قصد قتل شاهزاده هم‌قسم شده بودند. علی‌الطالع غفلتاً بر اردوی نواب والا بریختند و حادثه‌ای که گمان کسی نمی‌رفت واقع شد. همراهان تاب مقاومت نیاورده جمعی کشته و مابقی منهزم گردیدند و وجود مسعود شاهزاده از آن عرصه خطرناک به سلامت به سنندج معاودت نمود و به انتقام این عمل مصمم شد و به عرض مقدس حضور همایون رسانید. به غیرت ملوکانه تدمیر مفسدین واجب آمد. از دربار همایون لشکری جرار به تنبیه اشرار مأمور شد که به صوابدید نواب شاهزاده در این کار سعی بلیغ نمایند. نواب معظم در اواسط ربیع الاول حاجی سعدالملک را با دو فوج خمسه و فوج ظفر کردستان با تفنگچی بانه و سقز و مریوان، که چهارهزار تیرانداز بودند، با دو عراده قویوز با قورخانه کامل به طرف شامیان، و اعتماد السلطنه و بیوک خان سرتیپ را با فوج فدوی و افشار ارومی و دو عراده قویوز با تفنگچی الکین و روانسر و جوانرود، که سه هزار تیرانداز بودند، به طرف نفوسد روانه فرمودند و آن متمرّدین به سختی مکان و غرور ذاتی و تحریک خارج و داخل چند دفعه به مقابله و جنگ پیش آمدند و به ننگ پس رفتند و به عون الهی و اقبال اعلی حضرت شاهنشاهی و سعی نواب شاهزاده قشون طرف نفوسد روز بیست و یکم ربیع‌الثانی از دره‌های سیروان و کوه آتش‌فشان گذر کردند و قشون طرف شامیان شب بیست و هشتم ربیع‌الثانی از راه ویسه و مرس بر آن جبال، که عروج آن به خیال نمی‌رسید، بالا رفتند و از طرفین آتش جنگ اشتعال یافت، ولی از عنایات پروردگار و بخت شهریار از هیچ طرف سودی نبردند. بالاخره دزلی و نفوسد مسخر و از هر دو طرف لشکر منصور و مظفر آمد و مفاد آیه شریفه ﴿وَأُورَثَكُمْ أَزْوَاجَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضاً لَمْ تَطَّوُّهَا﴾^۳ ظاهر گشت و در این حیص و بیص قلعه مریوان هم بر حسب اراده شاهنشاه

۳. احزاب، ۲۷.

تاجدار گردون اقتدار شاهنشاه جم‌جاه اسلامیان پناه روحی و روح العالمین فداه سلطان السلاطین ناصرالدین شاه قاجار - خلدالله ملکه و سلطانه - سرکار والا به ایالت این ولایت و حکمرانی این سامان مأمور شدیم، به راهنمونی تأییدات ربانی و دلایل توفیقات سبحانی دانستیم که خواست خدا و امر سایه خدا بر این تغییر وضع و تبدیل اساس برای آن تعلق گرفته که ما را در نیک و بد امور تعمقی و بر دیگران تفوقی باشد و رعایای بیچاره که به تمادی قرون متطاووله از دست تعدی حکام از پا درآمده بودند آبی به روی کار آید و آتش جور و حیف فرو نشیند و معابر و مسالک، که مکنن اشرار بود، مأمین اخیار گردد و بفضل الله و توفیقه چنانچه خواست حضرت اله و مکنون ضمیر منیر اعلی حضرت ظل الله روحنا فداه بود مهما ممکن در ترفیه حال بندگان خدا اهتمام کردیم تا کلیه امور این سامان انتظام یافت و جروح قلوب مسلمین التیام پذیرفت و این وجه خانه‌شمار، که اقبح آثار و افضح اطوار بود، همت والانهمت بر رفع و ترک آن همه آن بود که فقرا و ضعفا هم از این بلیه آسوده شوند. و در این مدت عوایق و موانع چند حاجب چهره مطلوب بود تا در مستدرک سال فرخنده فال یونت نیل سعادت دلیل، که تحویل نوروز سلطانی در شب عید غدیر می‌شد و عیدین ظاهری و معنوی مقترن گشت، «بلبل غدیر»^۲ که تاریخ است به‌شکرانه سلامتی وجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه روحنا فداه این وجه را [که] اصلاً و فرعاً از پانصد تومان متجاوز مأخوذ می‌گشت به معافی ابدی برقرار داشتیم که از هذه السنه و مابعدا اسم خانه‌شماری به کلی منسوخ و متروک گردد و در حال و استقبال قاعده ماضیه مسلوک نگردد و مجدداً این امر شنیع و مُعید این رسم فطیح را به عیث ایزدی و نکال سرمدی محول نمودیم و این رقم عنبرشیم مطاع صادر شد که بر دوش منابر گوشزد خاص و عام شود موجب ازدیاد دعاگویی و وجود مسعود مبارک اعلی حضرت شاهنشاه اسلامیان پناه گردد. مقرر آنکه مباشرین بلده سنه^۳ وجه خانه‌شمار شهر را از این سنه و مابعدا به معافی ابدی برقرار دانند و به هیچ وجه از مسلمانان و غریبه و یهود و نصاری مطالبه ندارند و هر کس بعد از این هم در قصبه سنندج خانه بسازد از این تحمیل معاف و مسلم است و نیز مقرر

۲. ماده تاریخ برابر با مقدار عددی ۱۲۸۶.

۳. سنه: نام قدیم سنندج.

جهان و سعی شاهزاده کامران که در سال‌های راحت با خشت خام ساخته نشد با آهک و سنگ رخام پرداخته شد و این فتح سبیل و بنای قلعه جلیل به نام نامی شاهنشاه ایران به یادگار ماند.

ز عون داور و اقبال شه به سال «غفور»^۱
ز سعی معتمدالدوله عم شاه جهان
به هفت ماه حصاری چنین بنا گردید
که پاسبان سر برج او سزد کیوان
به شصت روز جبالی چنان مسخر شد
که عقل بود ز تسخیر او همی حیران
کجا خیال که حصنی چنین شود آباد
کجا گمان که قلاعی چنان شود ویران
نبود کار چنین سهل نزد اهل خرد
خدای خواست که این هر دو صعب شد آسان

و این بنده بی‌مقدار حسب الامر این وقایع را در این سنگ نقش نمود و انا العبد محمد باقر بن عبدالحسین خان بن الحاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی - غفر الله لهما.

۴

ثبت رقم تخفیف در مالانه دارالاحسان

حکم والا شد آنکه چون در قصبه سنندج کردستان به خلاف سایر قصبات و بلدان ممالک محروسه ایران و جهی به اسم خانه‌شمار، که به اصطلاح کردی در مالانه است، از هر خانه دریافت می‌شد و عادت چنان بود که اعزه و اشراف و معتبرین اصناف از این معامله معاف بودند و این تکلیف شاق و تحمیل مالایطاق بار دوش بینوایان شهر می‌شد و هر فقیری که صاحب گلیمی یا حصیری بود یکی را به بهاء و وجه متداول و دیگری به ازاء قلق محصل می‌داد و این عمل لفظاً و معناً قبیح، قولاً و فعلاً فزیح بود تا به حکم «اذا اراد الله شیئاً هیئاً اسبابه» مشیت کردگار و اراده حضرت آفریدگار جلّت عظمته بر آن تعلق گرفت که از این ولایت علایم جور و اعتساف برداشته و اعلام عدل و انصاف افراشته گردد در رمضان المبارک ۱۲۸۴، که «مظهر الحق» تاریخ است، بر حسب امر قدرقدر شهریار

۱. ماده تاریخ برابر با مقدار عددی ۱۲۸۶.

فرمودیم مضمون حکم محکم را در سنگ رخام ثبت و در مسجد دارالاحسان ضبط نمایند که به مرور دهور و اعوام مندرس و منظمس نگردد. حسب المقرر مرتب داشته، در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذی الحجة الحرام ۱۲۸۶.

❦ ❦ ❦

ثبت وقایع بنای قلعه در سنگ منصوب در قلعه ملکه شاه آباد از آنجا که رای همایون اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه السلطان بن السلاطین ناصرالدین ناصرالدین شاه قاجار - خلدالله ملکه - بر این قرار گرفت که در سرحد مریوان، که معبد احشام و محل فتنه و فساد و مکان شرّ و عناد بود، قلعه [ای] ساخته شود که محض تفضل و احسان اهالی این سامان مانند دیگر بلدان در مهد امن و امان باشند و بدواً به عهده مرحوم امان‌الله خان والی مقرر شد خرج‌ها کردند، بیکارها گرفتند و قلعه از خشت و خاک بنا نهادند و در عرض یک سال چنان انهدام یافت که اکنون خاکریز قلعه جدید شده. و این کار به اتمام نرسید و آنچه مکنون خاطر مهرمظاهر اعلی حضرت شاهنشاهی بود به عمل نیامد و ویرانی ملک در ازدیاد و مشقت اهل این سامان در اشتداد آمد تا آنکه ایالت ولایت کردستان به عهده کفایت و ذمه کفالت و حسن سیاست و یمن ریاست عمّ معظم سلطان نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم معتمدالدوله العلیه فرهادمیرزا - دام اقباله - مفوض شد در اول محرم سنه ۱۲۸۶، که سال «غفور» تاریخ است، تجدید این بنای محکم عالی پرداختند و این بنده در گاه را به ساختن قلعه مأمور فرمودند که با سنگ و آهک به اتمام برسانم. مقارن این حال به تحریک خارجی و داخلی که قصدشان بر نساختن قلعه بود اورامی پایه جاده طغیان و عصیان گذاشتند و در خرابی این ملک سعی و کوشش کردند. از دربار معدلت مدار لشکری جرار با سران سپاه به تدمیر آنها مأمور گردید و انقلاب زیاد در این بلاد روی داد و معهدا کله به خواست خداوند و اهتمام شاهزاده والاتبار در مدت شش ماه دیوار قلعه به اتمام رسید و فتح اورامان و تسخیر دزلی و نفوسد، که به وهم کس در نمی آمد، شد.

ز عون داور و اقبال شه به سال «غفور»
ز سعی معتمدالدوله عمّ شاه جهان

به چند ماه حصار چینی بنا گردید که پاسبان سر برج او سزد کیوان به شصت روز جبالی چنان مسخر شد که عقل بود ز تسخیر او همی حیران کجا خیال که حصنی چینی شود آباد؟ کجا گمان که قلاعی چنان شود ویران؟ نبود کار چینی سهل نزد اهل خرد خدای خواست که این هر دو صعب شد آسان

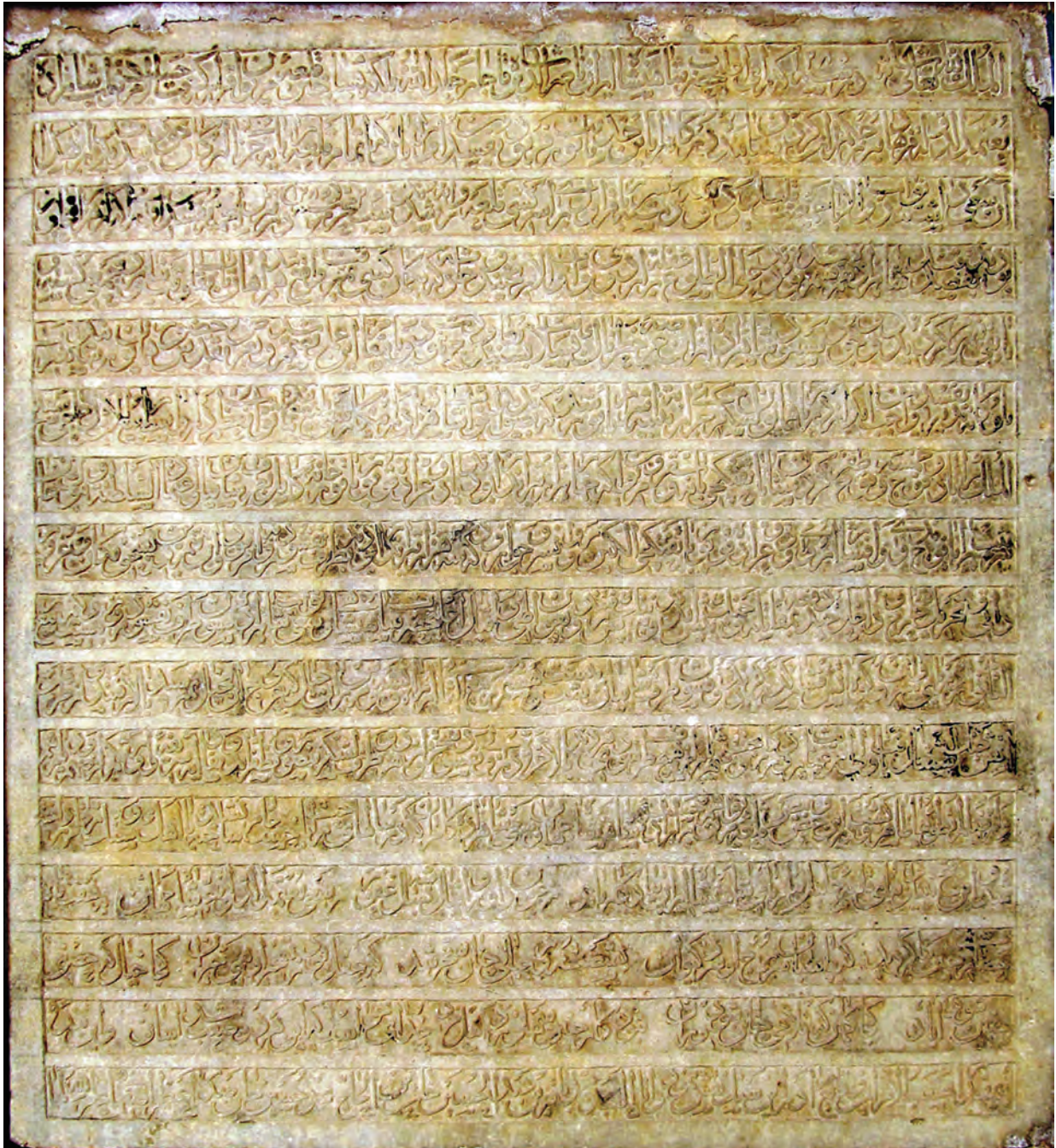
و در سال ۱۲۸۷ بر حسب امر نواب معظم الیه نیز ناتمامی قلعه از جان پناه و بالاخانه‌های سردر دروازه‌ها و طویله‌ها ساخته شد و چون مردم به آبادی دور قلعه رغبت نمودند که خانه بسازند بالضرورة قنات جدید موسوم به آب حلال و مسجد و حمام ساخته شد و در سال ۱۲۸۸ نیز بر حسب امر والا عمارت سربازخانه و آب‌انبار و قورخانه و سایر بناهای دیگر به انجام رسید و اکنون یکصد خانوار بیرون قلعه خانه ساخته سکونت جسته‌اند، جمعه و جماعت می‌گزارند و همگی در کمال استراحت استدامت دولت قاهره را از خداوند مسئلت می‌نمایند که دست تعدی خارج و داخل از سر آنها کوتاه شده از جان و مال و عیال آسودگی دارند و مریوانی که همه عمر نان گندم ندیده بودند و به جز کال چیزی نمی‌کاشتند و نمی‌خوردند، اکنون جنگل‌ها را برای غرس اشجار و کاشتن گندم می‌تراشند و به حفر قنات و وضع بساتین اشتغال دارند و چند دهکده در این مدت قلیل آباد گشته و امید است - ان شاء الله - از فضل نامتناهی خلاق جهان‌آفرین و همت شاهنشاه با داد و دین و اهتمام شاهزاده با فرّ و تمکین رشک همه قصبات و بلاد بشود.

و انا العبد محمد باقر بن عبدالحسین خان بن الحاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی - غفر الله لهما - کتبت فی سنه ۱۲۸۸.

منابع

- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۹۹۸م). الکشکول. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و بهاءالدین علمی‌انواری (۱۳۹۰). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

- مجلد یکم (جلد اول و دوم قدیم). تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فخرالکتاب سنندجی، شکرالله (۱۳۷۵). تحفه ناصری (در تاریخ و جغرافیای کردستان). تصحیح حشمت‌الله طیبی. تهران: امیرکبیر.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد (۱۳۵۳). تاریخ مردوخ (تاریخ کرد و کردستان و توابع). سنندج: غریقی.
- المرزوقی الاصفهانی، ابوعلی احمد بن محمد (۱۴۲۴ق). شرح دیوان الحماسة. تحقیق غریب‌الشیخ. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸۴). جغرافیا و تاریخ کردستان (حدیقه ناصریه و مرآت الظفر). به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: نشر توکلی.



کتیبه سنگی مسجد دارالاحسان سنندج، ۱۲۸۶ق. ظهراً متن کتیبه سوم نسخه ۱۰۷۴ کتابخانه مجلس از روی این کتیبه نوشته شده است. عکس از نگارنده.